■ افرادی هستند که از اول انقلاب مدیریت را دست گرفته‌اند و نتایج کنونی حاصل ناکارآمدی آنهاست. برای مثال در بخش کشاورزی، وزیر سابق و رئیس فعلی سازمان محیط زیست جمعا ۲۸ سال، مدیریت و تمام تصمیمات حوزه کشاورزی را برعهده داشته‌اند و خود هم منتقد وضع موجود هستند(!) بدون اینکه پاسخگوی اقدامات خود باشند

صادق خلیلیان، وزیر اسبق جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره تفکر اقتصادی دولت روحانی:

این دولت زیبنده انقلاب نیست

■ وزارت بازرگانی، بهانه دولت برای توجیه ناکارآمدی است
■ خرید تضمینی گندم در سال ۹۸ به زیر ۸ میلیون تن کاهش یافته است
■ بودجه‌های تنظیم شده هیچ‌گاه عملیاتی نبوده و نیست
■ باید مسائل مالی نمایندگان و بستگان درجه یک آنها برای مردم شفاف باشد

حمید کمار: بحث درباره مسائل مختلف اقتصادی به موضوعی روزمره تبدیل شـده است. اقدامات و تصمیمات اخیر دولت و مجلس هم اعتراض‌ها را بیش از پیش برانگیخته است. افزایش ناگهانـی قیمت بنزین بدون اطلاع‌رسـانی به مردم و مصوبات مجلس در کاهـش و معافیت مالیاتی ثروتمندان جزو آخرین اقدامات دولت و مجلس در حوزه اقتصاد است که با اعتراض‌های بسیاری همراه شد. از همین رو «وطن امروز» در گفت‌وگویی با صادق خلیلیان، وزیر جهاد کشاورزی دولت دهم، کارنامه دولت و مجلس در موضوع اقتصاد را به نقد و بررسی گذاشت.

***

■ موضوع تعیین نرخ خرید تضمینی و پرداخت به‌موقع مطالبات گندمکاران تقریبا هر سال مورد بحث بوده و کشاورزان از نرخ پایین تعیین شده از سوی شورای پول و اعتبار گلایه دارند. به نظر شما راهکار نهایی برای تعیین به‌موقع و منصفانه نرخ خرید تضمینی و همچنین سازوکار تأمین منابع لازم برای پرداخت این مطالبات چیست؟

بخش کشاورزی پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. کشاورز وقتی می‌خواهد محصول خود را کشت کند شرایط و وضعیت بازار را مشاهده و شروع به کشت می‌کند و وقتی محصول می‌رسد، فصل جدید می‌آید و بازار با شرایط جدیدی مواجه می‌شود. برای اکثر محصولات کشاورزی این وضعیت وجود دارد، از جمله گندم که محصول راهبردی است. وقتی فصل برداشت می‌رسد و محصول به بازار عرضه می‌شود، ممکن است سطح قیمتی محصول در بازار کاهش یافته باشد، در نتیجه کشاورز تصمیم می‌گیرد فصل بعد سطح زیر کشت محصولش را کاهش دهد و وقتی فصل برداشت می‌رسد، ممکن است قیمت محصول افزایش یابد. این سیکل به این شیوه با نوسانات قیمت و سطح زیر کشت ادامه پیدا می‌کند و یک نوع عدم اطمینان به‌وجود می‌آورد. به همین خاطر در بخش کشـاورزی برای حمایت از محصولات راهبردی مانند گندم، دولت سیاست خود را اینگونه تنظیم کرده است که قیمت تضمینی اعلام کند تا سطح زیرکشت کشاورزان تنظیم شود. بر اساس قانون خرید تضمینی گندم، وزارت جهاد کشاورزی موظف است با تجزیه و تحلیل هزینه تولید و بر اساس نرخ تورم، هر ساله قیمت خرید تضمینی گندم را پیشنهاد دهد.

اصل فلسـفه قیمت تضمینی گندم این است که اولا تولید مطمئن و پایداری برای محصول استراتژیکی مانند گندم وجود داشته باشد. اگر این کار انجام نشود ممکن است کشاورزان برای تولید این محصول اقدام نکنند یا سطح زیرکشت خود را کاهش دهند که این مسأله معضلات دیگری را در بخش تولید و تامین نیاز کشور ایجاد می‌کند و مجبور به واردات میلیون‌ها تن گندم می‌شویم. به همین خاطر است که تعیین قیمت و خرید تضمینی گندم بویژه در این برهه از زمان اهمیت دارد.

گاهی ممکن است قیمت گندم در بازارهای جهانی کمتر از قیمت آن در داخل کشور باشد و در نتیجه برای دولت یا بخش خصوصی صرف کند که گندم را از خارج کشور وارد کنند. در این هنگام دولت باید تعرفه‌های واردات گندم را به گونه‌ای تنظیم کند که کشاورز ضرر نکند. گاهی هم دولت‌ها وسوسه می‌شوند برای آنکه گندم را ارزان به دست آورند و یارانه کمتری به کشاورزان بپردازند اقدام به واردات گندم کنند؛ مانند ۳ الی ۴ سال گذشته که دولت اقدام به واردات گندم کرد و قیمت خرید تضمینی را بر اساس نرخ تورم افزایش نداد، در نتیجه فشار زیادی به کشاورزان وارد و باعث شد خرید تضمینی گندم در سال ۹۸ به زیر ۸ میلیون تن کاهش یابد و با ۴ میلیون تن کسری گندم در سال جاری مواجه شویم. کمبود گندم در کشور نشان می‌دهد نگاه دولت به این بخش راهبردی نبوده است، در حالی که در شرایط تحریم فعلی باید مراقبت بیشتری می‌شد. از طرف دیگر کشاورزان هم از این موضوع آسیب دیدند و متضرر شدند. در این زمینه باید گفت مجلس فعلی هم به وظایف خود بخوبی عمل نکرد. از این رو ضروری است جناح‌های سیاسی در انتخابات این دوره مجلس، برنامه‌های خود برای حمایت از کشاورزان و بخش تولید را شفاف اعلام کنند و مردم به برنامه‌ها و سابقه عملکرد افراد و نه شعارهای آنها توجه کنند و رای دهند.

■ دولت برای مقابله‌ها با گرانی پیشـنهاد داد وزارت بازرگانی دوباره تشـکیل شـود. آیا تشـکیل وزارت بازرگانی به صلاح کشـاورزی کشور است؟ به نظر شـما چه نهادی باید مسؤول تنظیم بازار باشد؟

گرانی‌ها به‌خاطر سیاسـت‌ها و تدابیر نادرست دولت آقای روحانی و وزارت جهاد کشـاورزی اسـت. تشکیل وزارت بازرگانی به نوعی بهانه است. به فرض وزارت بازرگانی تشکیل شود؛ یقینا دولت بهانه دیگری را مطرح می‌کند. به نوعی بر بی‌تدبیری‌ها سرپوش می‌گذارند.

> کسانی که سـند بودجه را تنظیم می‌کنند خودشان از بازنشسته‌های دولتی هسـتند و به نظر می‌رسد اجـازه نمی‌دهنـد ایـن وظیفه به کارشناسـان و افرادی بـا افکار و ابتـکارات نـو و جدیـد برسـد. بودجه‌های تنظیم شده هم هیچ‌گاه عملیاتی نبوده و نیست

تولید زنجیره‌ای است از مزرعه تا سفره مردم. کشـت محصول در مزرعه، فرآوری محصولات، بازرگانی و صـادرات و واردات همگی یک زنجیره هسـتند. بـرای مثال تعرفه‌گذاری نادرسـت یا واردات نابهنگام به تولید ضربه می‌زند. این زنجیره باید در اختیار یک وزارتخانه باشد. تولید و بازرگانی محصولات در بخش کشاورزی باید زیر نظر وزارت جهاد کشاورزی باشد و تولید و بازرگانی محصولات در بخش صنعت هم باید زیر نظر وزارت صمت باشد.

ضعف عملکرد وزارت جهاد کشـاورزی و بی‌تدبیری دولت روحانی باعث شـد آنها تشکیل وزارت بازرگانی را بهانه کنند. تشکیل وزارت بازرگانی اشتباه است و منجر به بهبود اوضاع نخواهد شد، زیرا وظایف بازرگانی کشاورزی در عمل و در همین دولت با مصوبه‌ای از وزارت جهاد کشاورزی گرفته شـده و زیر نظر وزارت صمت متمرکز شده اما اتفاق خاصی در بازار رخ نداده است.

■ بـار دیگر در آسـتانه تصویب لایحـه بودجه در بهمن‌ماه، این سند دخل و خرج کشور نقل محافل خبری شده است؛ با وجود اینکه لایحه بودجه همواره مورد نقد و پیشنهاد نمایندگان و کارشناسان قرار می‌گرفت اما این بار حجم انتقادات بسیار زیاد است. راه‌حل شما برای رهایی از بودجه ضعیف، چیزی که در ۴۰ سال گذشته شاهد آن بودیم چیست؟

در ۵ دهه گذشته بودجه‌ریزی ایران هیچ تغییری نداشته است. این یعنی نظام بودجه‌ریزی سنتی در کشور دایر است. جالب اینجاست کسانی هم که سند بودجه را تنظیم می‌کنند خودشان از بازنشسته‌های دولتی هستند و به نظر می‌رسد اجازه نمی‌دهند این وظیفه به کارشناسان و افرادی با افکار و ابتکارات نو و جدید برسد. بودجه‌های تنظیم‌شده هم هیچ‌گاه عملیاتی نبوده و نیست. هیچ‌گاه در کشور ما بررسی نمی‌شود بودجه‌ای که برای اهداف خاص داده می‌شود به چه سرانجامی رسیده است. موضوع دیگر اینکه به دلیل درآمدهای نفتی هیچگاه نخواسته‌ایم به سمت کسب درآمدها از راه‌های دیگر برویم. برای مثال فضای اقتصادی کشور را در زمینه اخذ مالیات شفاف نکرده‌ایم و فرار مالیاتی از طرف صاحبان درآمدهای نجومی زیاد است. هنوز اقدام واقعی و درستی درباره حساب‌های بانکی و شفافیت مالی افراد انجام نشده است.

■ در هـر صـورت تفکـری رأس دولت اسـت که شـفافیت حساب‌های بانکی را سرکشی به حساب‌های مردم می‌داند.

این یک رویکرد غیرمدبرانه و غیرعلمی است، زیبنده کشور و نظام نیست که چنین مسؤولانی در دولت بر مقدرات کشور حاکم باشـند و صاحبان قدرت و ثروت فرار مالیاتی هنگفتی داشـته باشـند و کاری نکنند؛ رویکردی که هیچ تفکری در اقتصاد ندارد و منتظر نشسته تا خارجی‌ها برای ما کاری انجام دهند. تا زمانی که چنین تفکری باشد مشخص است به سمت اصلاح در درآمدهای بودجه نخواهیم رفت. نکته جالب اینجاست که توتال در موضوع مخزن گازی سکوی مشترک با قطر تمام اطلاعات کشـورمان را گرفت و بـه یک‌باره گفت نمی‌خواهد ایـن کار را انجام دهد! چرا هیچ‌کس پاسـخگوی این خیانت نیسـت؟ جالب اینکه وزیری که چنین کاری را انجام داد ۲۰ سال است بر این صندلی نشسته است. در حوزه‌های دیگر هم همین است، افرادی هستند که از اول انقلاب مدیریت را دست گرفته‌اند و نتایج کنونی حاصل ناکارآمدی آنهاست. برای مثال در بخش کشاورزی، وزیر سابق و رئیس سازمان محیط زیست فعلی جمعا حدود ۲۸ سال، مدیریت و تمام تصمیمات حوزه کشـاورزی را برعهده داشته‌اند و خود هم منتقد وضع موجود هستند بدون اینکه پاسخگوی اقدامات خود باشند. هر زمان که به مشکل می‌خورند به راحتی با استعفا خود را کنار می‌کشند تا از پاسخگویی فرار کنند، آیا کسی در مجلس پیگیر موضوع هست یا از کارنامه آنها سوال کرده است؟

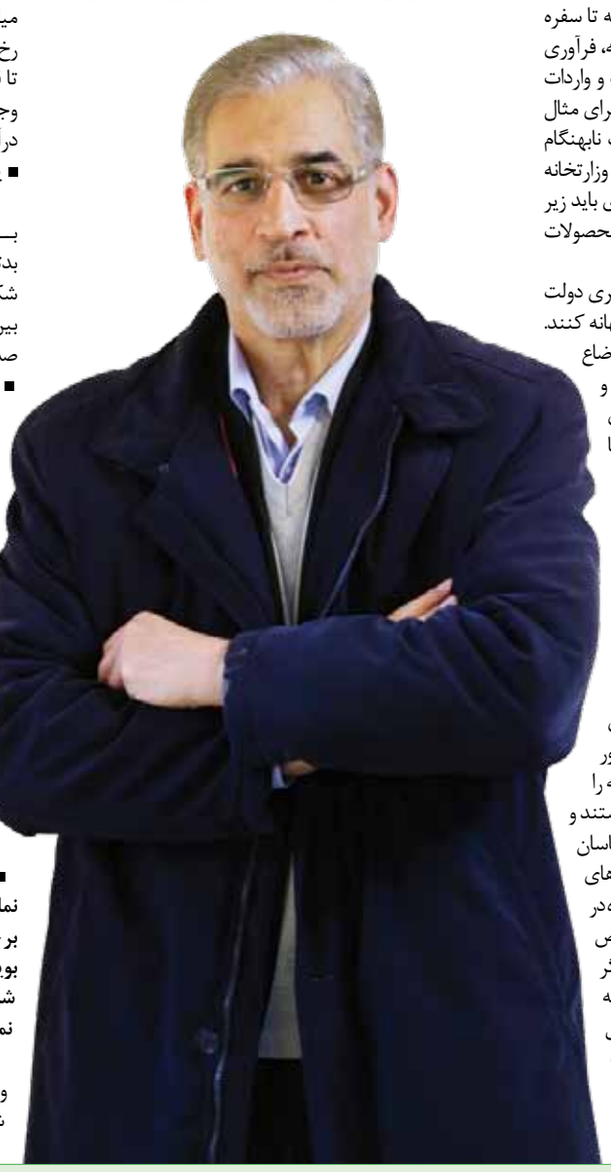

■ از درآمدهای جدید در بودجه صحبت کردید، به صورت عینی چه مثالی را در این باره می‌توان مطرح کرد؟

در همین یـک اقدامی که دولت برای بحـث احیای کارت سـوخت انجام داد و اصلاح قیمت بنزین انجام شد، بنا بر ادعایی که خود مسـؤولان دولتی دارند روزانه ۲۰ میلیون لیتر در مصرف بنزین صرفه‌جویی رخ داده است. این همان منابع جدید است؛ تا قبل از کارت سـوخت چنین درآمدی وجود نداشـت، این یعنی نیاز است برای درآمدهای جدید برنامه‌ریزی شود.

> گرانی‌هـا به‌خاطـر سیاسـت‌ها و تدابیر نادرست دولت آقای روحانی و وزارت جهاد کشـاورزی اسـت. تشـکیل وزارت بازرگانی به نوعی بهانه است. به فرض وزارت بازرگانی تشـکیل شـود؛ یقینا دولت بهانه دیگری را مطرح می‌کند. به نوعی بر بی‌تدبیری‌ها سرپوش می‌گذارند

■ یعنی از این اقدام دفاع می‌کنید؟

اصل سهمیه‌بندی و استفاده از کارت سوخت اقدام شایسته‌ای بـود که دولت قبل بخوبـی آن را اجرا کرد اما در این دولت به بدترین نحو ممکن آن را ابتدا کنار گذاشتند و بعد هم به بدترین شکل اجرا کردند و همین موضوع باعث شد اعتماد عمومی از بین برود. به نظر من اگر آمریکا به ایران حمله می‌کرد چنین صدمه‌ای به کشور وارد نمی‌شد.

■ در دولت سـابق هم چنین سیاسـتی اجرا شد اما حواشی کنونی را نداشـت، به عنوان یک وزیر بگویید در آن زمان چه تدابیری اتخاذ شده بود؟

بله! در دولت قبل نه تنها بنزین بلکه قیمت گازوئیل هم به سـمت واقعی‌سازی حرکت کرد، حتی قیمت نان آزاد شد اما رضایت نسبی بین مردم وجود داشت. اول اینکه رقم پرداختی یارانه‌ها ارزشمند بود، دوما با مردم سخن گفته شـد و دلایل آن برای آنها شفاف توضیح داده شد، سـوما از نظر اجرایی هم ۲ ماه زودتر یارانه به حساب مردم واریز شد. شبی هم که سهمیه‌بندی شروع شد رئیس‌جمهور وقت به رسانه ملی آمد و بـا مردم صحبت کرد و زمان اجرا را اعلام کرد. با توجه به اجماع کارشناسی و ملی که به وجود آمد اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بخوبی و در سطح گسترده در دولت قبل اجرا شد و یک قطره خون هم از بینی کسی جاری نشد.

■ در شـرایط کنونـی مردم هیـچ امکانی بـرای نظارت بر نمایندگان خود در مجلس ندارند و نمایندگان هم اجازه نظارت بر خود را به مردم نمی‌دهند. این نبود شفافیت تبعات سنگینی بویژه در حوزه اقتصادی برای کشـور داشـته اسـت. دیدگاه شـما درباره شفافیت عملکرد مجلس و حق نظارت مردم بر نمایندگان چیست؟

در موضوع شفافیت مالی نمایندگان، باید درآمد نماینده و اعضای خانواده و بسـتگانش برای مردم شـفاف باشد. اگر شفافیت در مسـائل مالی نمایندگان وجود داشته باشد، به محض جابه‌جایی پول در حساب نماینده یا حساب بستگان درجه اول وی، این انتقال وجه مشخص شده و بلافاصله نماینده احضار شده و مجبور به پاسخگویی خواهد بود. در حوزه اسناد و املاک هم همینطور است، به طوری که اگر دارایی و املاک نماینده یا بستگان نزدیک وی افزایش یابد، مجبور به پاسخگویی خواهد بود. در چنین شرایطی فرد برای کسب منافع، داوطلب حضور در مجلس نمی‌شود چون می‌داند نمایندگی مردم در مجلس کاری پرزحمت است و از نظر اقتصادی آورده چندانی ندارد.

علاوه بر این، نهادهای نظارتی هم باید وظایف خود را بدرستی انجام دهند. یعنی اگر ثابت شد نماینده‌ای فعالیت‌های مخرب انجام می‌دهد، با وی برخورد کنند. وقتی با چند نماینده اینگونه برخورد شود، حساب دست سایر نمایندگان خواهد آمد. موضوع دیگر رسانه‌ها هستند که باید با نمایندگان بدون رودربایستی برخورد کنند. یعنی اگر جایی ضعفی در بخش اجرایی وجود دارد ولی مجلس نظارت خود را بدرستی انجام نداد، مجلس هم مقصر است و موضوع باید از طریق رسانه‌ها پیگیری شود و نمایندگان مربوط بازخواست شوند. رسانه‌ها به نوعی ناظر عالیه از طرف مردم هستند که بر رفتار و عملکرد مسؤولان و بویژه نمایندگان نظارت می‌کنند، البته نباید این موضوع منجر به اتهام‌زنی شود. اگر هم رسانه‌ای اتهام‌زنی کرد، باید بازخواست شده و پاسخگو باشد.

■ و سخن پایانی

بـا توجه به اینکه در روزهای دهه فجر هستیم لازم می‌دانم از دستاوردهای انقلاب یـاد کنم. وقتی انقلاب اسـلامی در ایران پیروز شـد، کشور از نظر سیاسی وضعیت مناسبی نداشت، به طوری که شاه کشور را انگلسـتان و پـس از آن آمریکا تعیین می‌کرد. چنین شـرایطی برای مردمی نظیر ایران با سـابقه تمدنی عظیم، قابل قبول نبود. انقلاب اسلامی باعث بازگشت عزت ملی به جامعه ایران شـد. حداقل آن این بود که مردم برای کشـور تصمیم می‌گیرند نه انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها. علاوه بر این کشور از نظر شاخص‌های توسعه‌ای هم پیشرفت شگرفی داشته است. به طور مثال در آستانه انقلاب اسلامی، بیش از نصف مردم کشور بی‌سواد بودند، این در حالی است که اکنون حدود ۹۵ درصد مردم باسواد هستند. علاوه بر این، در حال حاضر دسترسی مردم به امکانات بسیار بیشتر شده است. به طور مثال دسترسی روستاییان کشور به آب و برق، از ۱۰ درصد قبل از انقلاب به بیش از ۹۰ درصد رسیده است. فراتر از این هم پیشرفت‌های شگرفی در مباحث علمی نظیر فناوری نانو، بیوتکنولوژی، ماهواره و علوم پزشکی، در کشور رخ داده است. همچنین کشور اکنون در حوزه صنعت و کشاورزی، چندین برابر دوره قبل از انقلاب تولید دارد، به طوری که در شاخص‌های سرانه، رشد قابل توجهی داریم.

همچنین در شـاخص توسـعه انسانی که سـازمان ملل اندازه‌گیری می‌کند، ایران حائز رشـد بسیار بالایی است. این شـاخص برای ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسـلامی کمتر از ۵۰ درصد بوده اسـت، یعنی ایران جزو کشورهای با توسعه ضعیف بوده است اما در آخرین گزارشی که سازمان ملل درباره شاخص توسعه انسانی منتشر کرده است، این میزان به حدود ۸۰ درصد رسیده است، یعنی ایران اکنون در زمره کشورهای با شاخص توسعه‌یافتگی بالا قرار دارد. گاهی اوقات ما خودمان در بحبوحه این نارضایتی‌ها و انتقادات، در حق انقلاب و زحماتی که مردم و انقلاب انجام داده‌اند، ظلم می‌کنیم. هر کسی بیشتر سیاه‌نمایی کند، قهرمان است. اینها دستاوردهایی است که باید به آنها پرداخت، البته مشکلات هم وجود دارد اما ضمن پوشش مشـکلات مردم و انعکاس این مشکلات برای مسؤولان، نباید این دستاوردها مغفول مانده و از یاد برود. شاخص توسعه انسانی شاخصی جامع است که نشان می‌دهد ایران در ابعاد مختلف خوب توسعه یافته است.

گزارشی درباره کارنامه جمهوری اسلامی در بخش امنیت غذایی

انقلاب کشاورزی

ادامه از صفحه ۳

■ چالش‌های پیش روی کشاورزی کشور

با وجود دسـتاوردهای قابل توجه انقلاب اسلامی در عرصه تولید و تجارت محصولات کشاورزی طی ۴۰ سال اخیر اما بخش کشاورزی کشور همواره با چالش‌های متعددی مواجه بوده است؛ چالش‌هایی که موجبات عدم پیشرفت کامل کشاورزی کشور را فراهم کرده است. بهره‌وری پایین تولیدات در بخش کشاورزی، فقدان الگوی کشت، سرمایه‌گذاری ناکافی در بخش کشاورزی، عدم توسعه آبخیزداری و آبخوان‌داری، فرسایش شدید خاک و رشد بیابان‌زایی، افزایش خرده‌مالکی در کشور، عدم شکل‌گیری و توسـعه مناسـب زنجیره‌ها در بخش کشاورزی، عدم توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، بالا بودن ضایعات کشـاورزی و نبود برنامه‌ریزی مناسب برای صادرات محصولات کشاورزی متناسب بـا نیاز بازارهای جهانـی از جمله چالش‌های موجود در بخش کشاورزی به شمار می‌رود.

طـی دهه‌های اخیر، حل نکردن چالش‌های فوق از سـوی دولت‌های مختلف، علاوه بر رشـد انـدک صادرات محصولات کشـاورزی، سبب مغفول ماندن بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه موجود در بخش کشاورزی کشور شده است. علاوه بر آن، با توجه به اینکه کانون اصلی بسیاری از تولیدات کشاورزی، روستاها به شمار می‌روند؛ با حل نشدن چالش‌های بخش کشاورزی و به‌تبع آن، هزینه بالای تولید محصولات کشاورزی در روستاها، جریان مهاجرت از روستا به شهر در سال‌های اخیر روندی صعودی را تجربه کرده است.

طی دهه‌های اخیر، افزایش مهاجرت از روستاها به شهر، علاوه بر کاهش جمعیت مولد، باعث افزایش جمعیت حاشیه‌نشین و سـکونتگاه‌های غیررسـمی در شهرها شـده و تا حد زیادی امنیت اجتماعی شهرها را نیز به مخاطره انداخته است. از منظر کارشناسان، تداوم این روند، باعث ایجاد مخاطرات بسیاری در زمینه امنیت غذایی و همچنین ایجاد ناهنجاری‌های اجتماعی در طبقه فقیر جامعه خواهد شد.

طبق نمودار ۲، روند شهرنشینی در کشور طی دهه‌های اخیر همواره صعودی بوده و از ۳۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

طبق نمودار ۳، همزمان با افزایش جمعیت کشور در دهه‌های اخیر، جمعیت روستایی کشور روندی کاهشی به خود گرفته که یکی از عوامل این اتفاق، مهاجرت روستاییان از روستا به شهر بوده است. از منظر بسیاری از کارشناسان، فقدان زنجیره کامل تولید و عدم توسـعه صنایـع تبدیلی و تکمیلی، بیکاری، عدم مدیریت درون‌زای روستا، تمایل به درآمدزایی بیشتر و کاهش وزن نواحی روستایی در مباحث سیاست‌گذاری از جمله مهم‌ترین علل مهاجرت روستاییان به شهرها محسوب می‌شود. مهاجرت به شهر، تبعاتی نظیر کاهش تولید و گرانی محصولات کشاورزی، کمبود محصولات اساسی نظیر گندم و تهدید امنیت غذایی و بیکاری و نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع شهری را در پی خواهد داشت.

■ راهکارهایی برای افزایش تولید در کشور

تحقق خودکفایی پایدار در تولید محصولات کشاورزی، نیازمند اصلاح زیرساخت‌های تولید، بهبود سطح فناوری، حرفه‌آموزی کشاورزان و ساماندهی تولید محصولات اساسی از طریق استقرار زنجیره‌های ارزش فراگیر است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده و همچنین پیشنهادهای ارائه‌شده توسط دستگاه‌های اجرایی و برخـی فعالان حوزه کشـاورزی، موانع رونق تولید در بخش کشاورزی شناسایی و راهکارهایی ارائه شد که در ادامه به صورت اجمالی به آنها پرداخته می‌شود.

۱- از منظر کارشناسان و مراکز پژوهشی کشور، تولید محصولات اساسـی باید در مناطقی متمرکز شود که قابلیت تولید میزان بالاتری از آنها در واحد سطح دارند. الگوی تولید و نظام بهره‌برداری از اراضی مذکور باید به سمت مدیریت دانش‌بنیان اراضی و استفاده از دانش و فناوری‌های روز حرکت کند.

۲- یکی از مشکلات موجود بر سر راه پیشرفت کشاورزی، پایین بودن سرمایه‌گذاری در این بخش است. درباره پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، یکی از بزرگ‌ترین دلایل عدم تمایل بخش خصوصی به سـرمایه‌گذاری در این بخش، وجود مخاطرات فراوان در تولید محصولات کشـاورزی است. در این زمینه دولت باید از طریق سیاست‌های حمایتی، نظیر اعطای تسهیلات با سود بانکی اندک، تقویت نظام بیمه‌ای، تقویت بازار و کاهش حاشیه بازاریابی، مخاطرات طبیعی و اقتصادی موجود در این بخش را مدیریت کند، همچنین دولت باید با سرمایه‌گذاری در حوزه روستایی و کشاورزی، زیرساخت‌های لازم برای خلق ارزش در این بخش را ایجاد کند.

۳- طی سـال‌های اخیر، برخی کشورهای توسعه‌یافته و البته بعضی مسؤولان داخلی با طرح دوگانه‌های غلط همچون دوگانه آب یا غذا، مانع پیشرفت کشور و خودکفایی در زمینه محصولات کشاورزی شده‌اند. این در حالی است که برآوردهای علمی از سوی مراکز دانشـگاهی، دولتی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد در صورتی که از ظرفیت کشت دیم در کشور به درستی استفاده شود، فقط با استفاده از آب باران، کشور قادر است نیاز ۲ برابر جمعیت کنونی خود را نیز به اقلام اساسی بویژه گندم، جو، کلزا و حبوبات کاملا مرتفع کند. ضمن اینکه بـا اجرای عملیات آبخیزداری، می‌توان از رواناب‌های فصلی در تولید محصولات مختلف کشاورزی و باغی استفاده کرد و ضمن کاهش مؤثر در نرخ بالای تبخیر و رواناب کشور، مازاد آب را نیز به سفره‌های زیرزمینی برای برداشت در هنگام نیاز نفوذ داد.

۴- توسعه فعالیت‌های بازرگانی، ایجاد تشکل‌های صادراتی در جهت تسهیل فرآیند صادرات محصولات کشاورزی، اصلاح نظام توزیع نهاده‌های تولیدی و محصولات با ابزارهای حمایتی، توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، یکپارچه‌سازی سامانه‌های هوشمند کسـب مجوزها برای فعالیت‌های مختلف کشـاورزی از جمله صادرات و واردات، راه‌اندازی سامانه تأمین و توزیع کالاهای اساسی شامل امکانات قیمت‌گذاری، پایش قیمت‌ها و مقادیر توزیعی در طول زنجیره عرضه، اطلاع‌رسانی قوانین و بخشنامه‌ها و خدمات فنی و مشاوره‌ای بازرگانی.

در نهایت باید افزود طی ۴۰ سال اخیر، با وجود پیشرفت قابل توجه در تولید محصولات مختلف کشـاورزی و خودکفا شدن کشـور در تولید محصولاتی همچون گندم و شکر، حل کردن چالش‌های مهـم در این حوزه، ضروری می‌نماید؛ چالش‌هایی که در صورت حل شدن، بسیاری از معضلات موجود همچون مهاجرت از روسـتاها به شهرها، افزایش حاشیه‌نشینی و... نیز حل خواهد شد.

نمودار ۲- روند میزان شهرنشینی طی دهه‌های اخیر

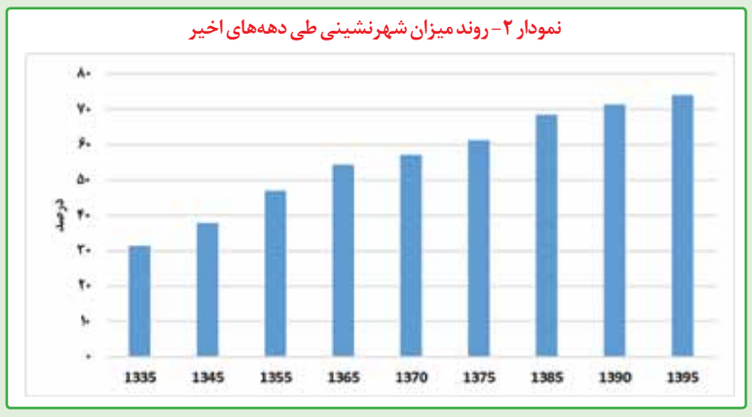

نمودار۳- روند کاهشی جمعیت روستایی کشور در دهه‌های اخیر

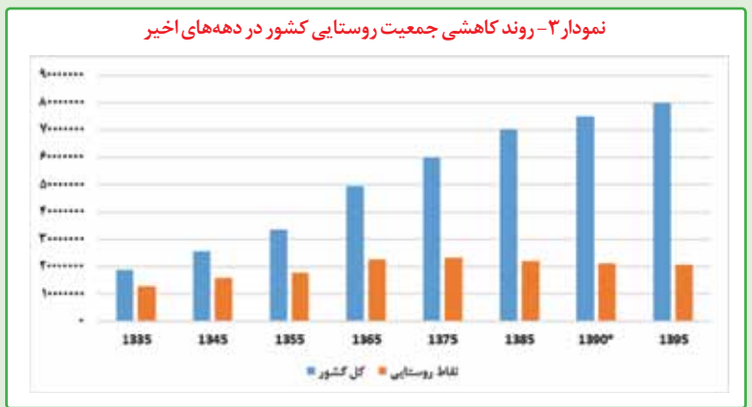
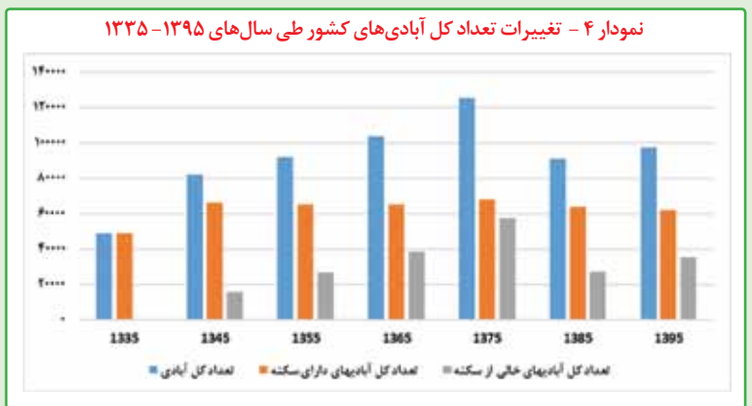
نمودار ۴ - تغییرات تعداد کل آبادی‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۵- ۱۳۳۵